



باید کار خودمان را بکنیم

#

گروه ادب و هنر | شاید حسرت بر صحنه دیدن نمایشی از حمید سمندریان در دل‌های بسیاری از اهالی تئاتر باشد اما در سالروز درگذشت او، دوستان و دوستدارانش دور هم جمع شدند و یاد استاد را گرامی داشتند.

پرویز پورحسینی که سال‌ها با سمندریان بود خاطرات خودش را مرور کرد و به تأسیس گروه تئاتر پاسارگاد در سال‌های دهه ۴۰ به همراه پرویز فنی‌زاده و سرپرستی حمید سمندریان اشاره کرد و

با نگاه به همان تجربه بود که گفت: «امروز با نگاه به تجربه آن همکاری‌ها به این نتیجه رسیده‌ام که به هیچ دولتی و مرکزی نباید توجه کنیم و باید کار خودمان را بکنیم.»

کافه تئاتر

دعوت به تماشای نمایش «اسم» به کارگردانی لیلی رشیدی

«اسم» و نفوذ آرام به روح آدمی



باید به دیدن نمایش «اسم» رفت. نمایشنامه‌ای نوشته ماتیو دولاپورت و الکساندر دولاپتولیر که شهلا حائری آن را ترجمه کرده و دستمایه اولین تجربه کارگردانی لیلی رشیدی شده است. اما چرا می‌گویم باید به دیدن این نمایش رفت. مهم‌ترین مسأله‌ای که در آن وجود دارد متن نمایش است. متنی که ساختاری ساده اما پیچیده دارد. همین سادگی و پیچیدگی در ساختار است که این نمایش را رمزآلود می‌کند. شما حین تماشای آن فکر نمی‌کنید هرگز مسأله‌ای طرح شود یا هرگز در این محیط آرام اتفاق دراماتیکی رخ دهد اما این متن شما را غافلگیر می‌کند و به شما گوشزد می‌کند که ساده‌ترین حرف‌ها هم می‌تواند اتفاقات دراماتیک بسیاری را رقم بزند و همه چیز را در یک لحظه به هم بریزد و رفتارهای واکنشی انسانی به سرعت بروز پیدا کند. همه اتفاق‌ها ساده طراحی شده و از گرافکنی کلاسیکی که در بسیاری نمایش‌ها سراغ داریم در این متن خبری نیست. متن نرم وارد ذهن شما می‌شود و به همان نرمی همه چیز را در هم می‌ریزد و دست به یک انهدام نرم می‌زند. برای همین است که همه چیز از یک اسم شروع می‌شود و اسم شخصیتی تاریخی مثل «آدولف» که مشابهت با اسم کوچک هیتلر دارد باعث در دسرهای بعدی می‌شود و رمز و رازهای کوچک یک خانواده بر ملا می‌شود. شما به‌عنوان مخاطب اصلا نمی‌توانید فکر کنید که اسم‌ها می‌توانند تأثیرات مخربی در زندگی داشته باشند و این تأثیرات می‌تواند ویرانگر باشد. در کنار متن خوبی که بر صحنه می‌بینیم بازی‌های خوب حسن معجونی، داریوش موفق و لیلی رشیدی هم دیدنی است. رشیدی در این اثر محیطی رئالیستی را تصویر کرده و خواسته همه چیز یک نمایش رئالیستی را رعایت کند تا تأثیر آرام رفتارها و خلق و خواها و حتی شوخی‌ها و جدی شدن‌های آدم‌های این نمایش بیشتر به چشم بیاید. همین است که می‌گویم به دیدن نمایش «اسم» بروید که این روزها در تماشاخانه استاد ناظرزاده‌کرمانی در تماشاخانه ایرانشهر در ساعت ۲۳ اجرا می‌شود و لحظه‌های خوبی را تا فردا ساعت یک بامداد برای شما ایجاد می‌کند.

یادداشت

درباره رمان «قوچ» نوشته مهدی اسدزاده

سر بازی و عاشقی جور در نمی‌آید



حسین رahnizadeh

رمان «قوچ» نوشته

مهدی اسدزاده

شرح دو روز از

زندگی سر بازی

است که قصد ندارد

به یادگان برگردد، بعد از هفت سال هنوز در گیر یک ماجرای عشقی است، با خانواده‌اش مشکل دارد و هنوز نمی‌داند از زندگی چه می‌خواهد. تنها خواسته‌اش سه‌میلیون تومان پول است تا برای عروسی سمیرا – همان عشق هفت‌ساله – تعدادی کتاب کمیاب و دسته‌دوم به‌عنوان هدیه بخرد. داستان با زاویه‌دید اول‌شخص روایت می‌شود. انتخاب این زاویه‌دید تأثیر بسزایی در همدتا پنداری خواننده با شخصیت دارد. داستان شروع

خوبی دارد: «اگر قرار بود همه قر و قضا یا اون دو روز بشه به رمانی فیلمی چیزی، باید از اون صحنه‌ای شروع می‌شد که...» این نوع بیان، کنج‌گاو خواننده را برمی‌انگیزد و باعث می‌شود خواننده کتاب را محکم‌تر توی دستش بگیرد. همچنین باعث می‌شود خواننده دستش را از روی دسته صندلی بردارد و کتاب را بیاورد بالاتر تا حواسش به جایی خارج از کتاب پرت نشود. فضاسازی رمان به شکل مناسبی صورت گرفته و رمان شهری‌ای را به وجود آورده که تصویر واقع‌گرایانه‌ای از کلاشهر تهران برای خواننده می‌سازد. داستان از خیابان پیروزی شروع می‌شود؛ جایی که خانه پدری راوی آنجاست. از آنجا راوی به مکان‌های مختلفی در تهران می‌رود، از دربند گرفته تا پایین‌ترین نقطه شهر. تصویری که نویسنده از این مناطق ارائه می‌دهد، به دور از کلیشه و به واقعیت بسیار نزدیک است. طوری که اگر خواننده با مکان‌های ذکرشده ارتباطی داشته باشد، انگار دارد آلبوم عکس مجله‌اش را ورق می‌زند. راوی متعلق به طبقه خاصی است؛ طبقه‌ای که هنوز مجله و همسایه‌هایش را خوب می‌شناسد، از پدر خانواده حساب می‌برد و فقر کمابیش روی سرش سایه انداخته است. این را نه فقط از زبان روایت، بلکه از فلاش‌بک‌هایی که به‌خوبی عمق شخصیت راوی را نشان می‌دهد، می‌توان فهمید.

زبان گیرا یکی از عواملی است که خواننده را پای کتاب نگه می‌دارد و باعث می‌شود مدام زیر قولش بزند که «ده صفحه دیگه می‌ذارم کنار، بعدن می‌يام سراغش». بخشی از روایت رمان در فلاش‌بک اتفاق می‌افتد. فلاش‌بک‌ها حامل اتفاقات ناگوارتری هستند: تصادف و مرگ برادر راوی (حسام)، احساسات تلخ مادر بعد از آن اتفاق، بغض و کینه‌ای که نسبت به پدر دارد و در آخر خاطرات راوی با سمیرا.

در طول داستان بی‌خوابی و شاید شرایط سختی که راوی دارد سبب می‌شود تصمیم‌های احساساتی زیادی بگیرد. اما عجولانه‌ترین یا شاید بدترین آنها همانی است که منجر به گلاویزشدنش با داماد یا شوهر سمیرا می‌شود؛ آن‌هم وقتی که دارد عروس را از آرایشگاه تا ماشین عروس همراهی می‌کند، که البته بسا توجه به شخصیت‌پردازی راوی خیلی هم غیرقابل پیش‌بینی نیست. به نظر می‌رسد نویسنده می‌توانست پایان‌بندی بهتری را برای داستان ترتیب دهد. در مجموع رمان «قوچ» رمانی کم‌حجم، خوشخوان و گیراست که می‌تواند برای مدتی خواننده را در تهران بگرداند و تلخی زندگی یک سرباز فراری عاشق بی‌خواب را پیش چشم‌هایش به تصویر بکشد.

گروه ادب و هنر | تنها ۱۵ دقیقه از اکران فیلم «رستاخیز» در مراسم رونمایی این فیلم برای اهالی رسانه گذشته بود که ناگهان پخش فیلم متوقف شد و مدیران باغ موزه دفاع مقدس مانع ادامه نمایش آن شدند تا اینکه سرانجام پس از چیزی حدود یک‌ساعت پادرمیانی و ارائه مجوز اکران آن، نمایش این فیلم ادامه پیدا کرد. سردار جواد خضرای مدیرعامل باغ موزه دفاع مقدس و احمدرضا درویش مدت‌ها با هم رایزنی کردند تا اینکه این توافق به دست آید. برخی عامل این توقف را تهدیدی علیه باغ موزه دفاع مقدس به دلیل اکران این فیلم اعلام کردند. تهدیدی که سبب شد حراست این مرکز چاره‌ای به جز توقف اکران آن نیابد. اما نسخه‌ای که از «رستاخیز» به نمایش درآمده بود، چیزی حدود ۴۰ دقیقه کوتاه‌شده بود. قرار است این نسخه از امروز ۲۴ تیر در سینماها به نمایش درآید. نسنده‌ای که سانسور زیادی شده است تا نظر منتقدانش را برآورده کند. با این‌حال در آستانه اکران فیلم «روز رستاخیز» به کارگردانی احمدرضا درویش و اکش‌ها همچنان به این فیلم پر حاشیه ادامه دارد.

واکنش‌ها از سوی منتقدان به اکران فیلم «رستاخیز» در حالی ادامه دارد که محسن مومنی‌شریف، رئیس حوزه هنری در دفاع از این فیلم در مراسم رونمایی آن گفت: «فیلم» رستاخیز» از آن دست فیلم‌هایی است که بیانگر رشد و بلوغ سینمای ماست و در زمانی به نمایش درآمده که در اوج جنگ علیه دنیای اسلام هستیم و حقیقت اسلام ناب محمدی در میان هیاهوی این جنگ‌ها کم‌رنگ شده است. خوشحالم که «رستاخیز» در سرزمینی ساخته شده که مردم آن ارادتمند حضرت سیدالشهدا(ع) هستند و خوشحالم که علاوه‌بر مردم ایران، مسلمانان دیگر در جهان اسلام و به‌ویژه کشورهای همسایه این فیلم را می‌بینند. همچنین امیدوارم این فیلم مورد رضایت رسول اکرم(ص) قرار گیرد.»

مومنی که مرکز تحت مدیریتش یعنی حوزه هنری پخش فیلم «رستاخیز» را به عهده دارد درباره حاشیه‌های پیش‌آمده برای این فیلم گفت: «بیشتر مطالبی که مورد اعتراض منتقدان بوده و باعث ایجاد حاشیه شده، مربوط به نسخه اولیه فیلم «رستاخیز» است که دو سال قبل در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد اما در حال حاضر پس از دریافت برخی نظرات و پیشنهادها، احمدرضا درویش ۴۰ دقیقه از فیلم را کم کرده که به نظر من حذف برخی بخش‌ها به فیلم لطمه زده است.» مومنی‌شریف در ادامه اما به نکته مهم‌تری

ادب وهنر



www.Farheekhtegan.ir

Wed | 15 Jul 2015 | vol.07 | No. 1709

چهارشنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۴ ■ ۲۸ رمضان ۱۴۳۴ ■ ۱۵ جولای ۲۰۱۵ ■ شماره ۱۷۰۹

لیلی گلستان در روز تولدش تاکید کرد

توافق هسته‌ای با طعم تولد

گروه ادب و هنر | دیروز تولد لیلی گلستان بود و

شمع ۷۱‌سالگی‌اش را فوت کرد. توافق هسته‌ای در تولد لیلی گلستان هم تأثیرگذار بود و باعث شد که در تولدش بگوید: «دوست دارم توافق هسته‌ای در روز تولدم به ثمر بشیند و دوست دارم کادوی تولدم شادی مردم باشد.

اگر در روز تولدم توافق ایران و ۵۱+انجام پذیرد و لغو تحریم‌ها قطعی شود، بسیار خوشحالم می‌شوم، اگر چنین اتفاقی بیفتد، بسیار خوشحال‌تر از اینی که هستم خواهم بود. واقعا زحماتی که مذاکره‌کنندگان ایرانی کشیدند بسیار بیشتر از آن چیزی است که دیده می‌شود و امیدوارم اتفاقی که مردم مشتاقانه چشم‌به‌راه تحقش هستند ۲۳ تیر رخ دهد.» بر همین اساس است که گلستان کادوی



تولد ۷۱‌سالگی‌اش را دریافت کرد. گلستان در این روزها مشغول ترجمه است اما گفته کارهای گالری‌اش اجازه نمی‌دهد تا این‌س ترجمه را تمام کند. کتابی که درباره ۱۳ نقاش از قرن شانزدهم



تهدیدهای دلواپسانه

علیه رستاخیز

احمدرضا درویش: ما به علمای دین مراجعه کردیم

و همین‌کار را کردم. در بحث تشبیه به چهره معصومین(س) بسیاری از علما مشکلی با آن ندارند و آن را رد نکرده‌اند. ولی شرطی وجود دارد و آن شرط این

است که ه‌نتی به‌وجود نیاید و خدایی نکرده تعرض و توهینی نشود. فیلم رستاخیز نه تنها در نشان دادن چهره بلکه در مباحث زیبایی‌شناختی رویدادها و حتی ظاهر چهره‌ها به متخصصان مراجعه‌کرده است و دیدگاه‌های مراجع بسیار مورد توجه بوده است. همه ملت ایران و شیعیان به حضرت عباس(ع)

علاقه قلبی دارند و به نحوه تصویر نمایش آن حضرت حساسیت دارند. ما نمایش را بر سرش‌هایشان راهم با او در میان گذاشتیم. احمدرضا درویش هم در پاسخ به همین انتقادها و پرسش‌ها بود که درباره دلایل و نحوه نشان دادن چهره حضرت عباس(ع) توضیح داد و تأکید کرد که برای نشان دادن این تصویر مجوزهای لازم را گرفته است: «در هر زمینه‌ای باید به متخصص آن مراجعه کرد. در زمینه مسائل دینی نیز ما به متخصصان آن که علمای دین هستند، مراجعه کردیم. ما مجموعه نظرگاه‌ها را بررسی کردیم و مهم این است که ببینیم از درون این مجموعه یا نظرگاه‌ها چه چیزی استخراج می‌شود. دوم اینکه تلاش داشتیم به وظیفه شرعی خود پایبند باشیم. من موظف به نظر مرجع تقلید خودم دقت و براساس آن عمل کنم

رستاخیز و واکنش‌ها

همزمان با آماده شدن سینماها در ایران برای اکران فیلم «رستاخیز» قرار است این فیلم در کشورهای دیگر نیز به نمایش درآید. از همین بابت است که معاون جشنواره بین‌المللی فیلم بغداد در دیدار با رایزن فرهنگی ایران در عراق از افتتاح این جشنواره با نمایش فیلم «رستاخیز» به کارگردانی احمدرضا درویش خبر می‌دهد. جشنواره بین‌المللی فیلم بغداد در پنج روز برگزار خواهد شد که یک روز آن مختص سینمای ایران است. در حالی که مدیران سینمایی و سازندگان فیلم «رستاخیز» برای روشننگری نسبت به این فیلم دیدنی مذاکرات زیادی از زمان تولید تاکنون انجام داده‌اند، واکنش‌های برخی علما به اکران این فیلم همچنان ادامه دارد. دیروز دفتر آیت‌الله حسین وحیدخراسانی و همچنین آیت‌الله سیدمحمدعلی علوی‌گرگانی در موضع‌گیری‌های جداگانه‌ای از اکران این فیلم سینمایی ابراز ناراضیاتی کردند. پیش از این سایت «رستاخیز» فتاوی برخی مراجع عظام از جمله آیت‌الله علی سیستانی و... درباره جواز پخش چهره مقدسان در آثار سینمایی را منتشر کرده بود.» اما آنچه مسلم است تصمیم مدیران سینمایی بر اکران این فیلم است که قرار است از امروز در سینماها به نمایش درآید. ناگفته نماند رئیس سازمان سینمایی برای صدور مجوز اکران این فیلم رایزنی‌هایی با برخی از علما انجام داده است و به نظر می‌رسد کوتاه نشدن ۴۰ دقیقه‌ای این فیلم نیز حاصل همین رایزنی و جلب رضایت‌ها بوده است. البته برخی هم کوتاه شدن ۴۰ دقیقه‌ای «رستاخیز» را به زمان طولانی این ربط می‌دهند.

را به آسمان می‌باشد و یک قطره از خون باز نمی‌گردد. درویش در پاسخ به این انتقاد بود که گفت: «در نسخه اول خون حضرت علی‌اصغر(ع) روی اسب می‌ریزد، اما بعد متوجه شدیم این مسأله اشتباه است و فیلم را به‌گونه‌ای اصلاح کردیم که خون آن حضرت به آسمان پاشیده می‌شود و تصویر را براساس روایات اصلاح کردیم.»

درویش درباره اصلاحاتی که بعد از جشنواره فیلم فجر به فیلم وارد شد، گفت: «بعد از نمایش فیلم رستاخیز در جشنواره فیلم فجر مانند همه فیلم‌های دیگر که دوباره اثر را بررسی می‌کنند، نظرات مختلف را درباره فیلم شنیدیم و آن را بررسی کردیم. بعد با بیوت مراجع ارتباط برقرار کردیم و کارهای کارشناسی انجام دادیم. بعضی از مراجع نمایندگانی را فرستادند و بارها فیلم توسط آنها دیده شد و برخی نظرگاه‌ها که علمی و منطقی بود، در فیلم اعمال شد. دلیل دیگر برای کوتاه کردن فیلم این است که ظرفیت اکران فیلم در سینمای ایران مشخص است و سانس‌بندی‌ها و نوع اکران نیز در سینما کاملاً مشخص است و سیستم اکران؛ ظرفیت نمایش یک فیلم سه ساعت و ۱۰ دقیقه‌ای را ندارد، بنابراین زمان فیلم را به دو ساعت و ۱۰ دقیقه کاهش دادیم تا در زمان اکران فیلم با تعداد سانس‌های بیشتر و بهتر اکران‌شود. اگر تقاضایی برای نمایش نسخه کامل وجود داشته باشد و همچنین سانس سینمایی آماده‌گی این اکران را داشته باشد، آمادگی داریم که نسخه کامل را نمایش دهیم. اما نسخه اصلی که در سینماها اکران می‌شود همین نسخه‌ای است که مجوز گرفته است.»

یکی از عمده انتقادها به فیلم «رستاخیز» نشان دادن چهره حضرت عباس(ع) برای اولین بار است که درویش در پاسخ به آن گفت: «مگر ما در تعزیه امام حسین(ع) را نمی‌بینیم و حضرت عباس(ع) را نشان نمی‌دهیم؟» آنها که آمده بودند به حاشیه‌ها درباره فیلم «رستاخیز» دامن بزنند، یا را فراتر گذاشتند و اتهاماتی را به بازیگر نقش حضرت عباس(ع) زدند تا احمدرضا درویش را عصبانی کنند و او بگوید: باید اخلاق و ادب را رعایت کنیم؛ ما و شما مسلمان هستیم. در حدیث آمده است اگر شب گاهی را از کسی دیدید صبح به رویش نیاورید، زیرا شاید نیمه‌شب توبه کرده باشد.

بازیگر نقش حضرت عباس(ع) با وضو بر صحنه فیلم حاضر می‌شد. نباید پشت سر او اتهامات این‌گونه بزنید. او به هیچ عنوان خواننده پاپ نبوده و صحبت‌هایی که درباره‌اش گفته می‌شود به هیچ وجه به شیوه اخلاق حسینی نیست.»

سینما

اسپانیا و جایزه به مکر



گروه ادب و هنر | شهرام مکری در سینمای هنر و تجربه «اشکان و انگشتر متبرک و چند داستان دیگر» را در حال اکران دارد. این نخستین فیلم بلند سینمایی مکری است، اما فیلم «ماهی و گربه» که دومین فیلم بلند سینمایی او بود زودتر اکران شد و توانست موفقیت‌های چشمگیری داشته باشد که هنوز هم این موفقیت‌ها ادامه دارد. جایزه ویژه هیات داوران پنجمین دوره جشنواره آتلانتید اسپانیا تازه‌ترین جایزه این فیلم است که توانست در رقابت با ۲۲ فیلم آن را به دست آورد. اما خبر تازه‌تر هم این است که مکری مشغول نوشتن فیلمنامه جدیدش است و به همین دلیل است که برای دریافت جایزه‌اش به اسپانیا نرفته است. اکران «ماهی و گربه» در سینماهای گروه هنر و تجربه و بعضی از سینماهای شهرستان ادامه دارد و رکورددار طولانی‌ترین اکران عمومی در سینمای ایران است.

تئاتر

نمایش در زمین تنیس



گروه ادب و هنر | حمید پورآذری از آن دست کارگردان‌های تئاتر است که وقتی مشغول به کار می‌شود اصلا به مکان‌های رسمی تئاتری فکر نمی‌کند و تنها به این فکر است که از کجا می‌تواند یک مکان تئاتری بسازد. این مشکل همواره در تئاتر ایران وجود دارد و سالن‌های تئاتری پاسخگوی نیاز تئاتر ایران نبوده است. اما این مشکل موجب نشده تا یک سری کارگردان‌ها خودشان را محدود به همین سالن‌ها کنند و همواره به این فکر هستند تا کارشان را در فضاهای تازه و غیرتئاتری به صحنه بربند. برای همین است که پورآذری قرار است اثر جدیدش را با نام «سال‌نایه» به کاخ سعدآباد بربرد. این نمایش از ۳۰ تیر اجرا می‌شود. متن این نمایش را نشمینه نوروژی نوشته است و پورآذری هر شب ساعت هشت اثرش را در زمین تنیس مجموعه فرهنگی کاخ سعدآباد اجرا خواهد کرد.

ادبیات

نامه‌های نجدی



گروه ادب و هنر | بیژن نجدی نویسنده‌ای است که دیر شناخته شد اما به سرعت آوازه‌اش دهان به دهان شد ولی دنیا به او وفا نکرد و نویسنده‌ای که می‌توانست هنوز داستان‌های زیادی بنویسد چشم از دنیا بست تا او نویسنده‌ای با کتاب‌های کم اما تأثیرگذار باشد. همسر او قرار است نامه‌هایی که نجدی از ۵۰ سال قبل نوشته بوده را منتشر کند. او درحال بازنگری این نامه‌هاست و قرار است نشر مرکز آنها را منتشر کند. او درباره نامه‌ها گفته است: «تقریباً بیشتر این نامه‌ها خصوصی و درباره من هستند، اما همه این‌نامه‌ها با نگاهی و رای یک آدم معمولی به اهداف فردی نوشته شده‌اند.» نامه‌های جبهه و نامه‌هایی که از خاش می‌نوشته در میان این نامه‌هاست.